

نویسنده: برانکو مارسیتیک «Branko Marcetic».
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2020-11-30».
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

=====

جنگ جهانی مخفی «سی آی ای» علیه

چپ

the CIA secret global war against the left



اگوستو پینوشه و هنری کیسینجر در سال «1876»

قسمت دوم

مقرراتی در کار نیست .

البته دولت آمریکا در پشت یک برنامه مخفی و سرکوب سیاسی مخفی در سراسر قاره قرار داشت؛ بیانگر «پارانویای» نخبگان این کشور است که از افزایش قدرت اتحاد جماهیر شوروی و جنبش های که به نظر آنها قابل کنترل هستند؛ ملتعب شده اند. همانطور که گزارش دولیتل (Doolittle) جنرال آمریکایی در سال «1954» بیان کرد. «هنگامی که در مقابل دشمن تسخیر ناپذیری که هدف آن سلطه بر هر بخشی از جهان است در چنین بازی هیچ قانونی وجود ندارد؛ هنجار های قابل قبول رفتار انسان

اعمال نمی شود و باید در مفاهیم دیرینه آمریکایی در باره «بازی جوانمردانه» تجدید نظر شود». جای تعجب نیست که مقامات غوطه ور در خونکشورهای کاندور «condor» روحیه های هم نژاد رادر همتایان آمریکایی خود مشاهده کردند. فرمانده روسای مشترک اوروگویی در جلسه سال «1975» کنفرانس ارتش آمریکا (conference of American Army = CAA) گفت: تنها چیزی که ما را از هم جدا میکند؛ لباس ها و یا یونیفورم ما است. چونکه مردان ارتش آمریکا؛ من فکر میکنم قبلاً هر گز مثل ما در حال حاضر یکدیگر را درک نکرده اند؛ برای مقابله و جلوگیری از نفوذ مارکسیستها با هر شکل دیگری از براندازی؛ یک هماهنگی بین ارتش قاره وجود دارد.

معنی این امر در عمل این است؛ که دولت آمریکا نه تنها با اقتدارگرایان و دیکتاتورها؛ بلکه حتی با فاشیست های خارج از خانه در رختخواب نیز قرار گرفته است یعنی که با هم هم بستر و یا هم آغوش هستند.

نوام چامسکی اظهار میدارد: (که بین تفکر فاشیستی و «دکترین امنیت ملی» مدار و یا موازات وجود دارد که موجب سرکوب دیکتاتورهای آمریکایی لاتین شد اما مقامات آمریکایی نیز متوجه این موضوع شدند همانطور که شلاوودمن خاطر نشان کرد: **دیکتاتورهای آمریکایی لاتین نه تنها توسط مارکسیزم ستیزی؛ بلکه توسط یک ایدیولوژی ناسیونالیست «توسعه گرایانه» هدایت میشد که در آن سیاست نظامی با همکاری تکنوکرات ها برای تولید صنعتی دست بکار شدند.**

توسعه گرایی ملی دارای موازات آشکار و آزار دهنده ای با ناسیونال سوسیالیزم است؛ مخالفان رژیم های نظامی آنها را فاشیست می نامند؛ این یک واژه تحقیر آمیز است و آنهم بیشتر به این دلیل که میتوان گفت از نظر فنی دقیق است.

این تشابهات در رفتار نظامیان با مخالفان بطرز وحشتناکی روشن تر بود؛ همانطور که چهره های مانند عکاس **جوادی کارووالیوپینا** (Joao de Carvalho pina) و مورخ **دانیل فایرشتاین** (Daniel Feirstein) متذکر شده اند؛ ازدحام بیش از حد؛ گرسنگی؛ شکنجه ها و رفتارها یا برخورد های غیر انسانی کلی با زندانیان توسط دیکتاتورهای **کاندور** شباهت های آشکاری با شرایط اردوگاههای کار اجباری نازی ها دارد.

اما این وضع فراتر از موارد مشابه بود؛ اردوگاههای آرژانتین همه جانبه سرشار از برخورد همچو نازی ها و یا نازیسم بود یعنی تزیین شده با صلیب شکسه آلمان نازی «**سواستیک = swastikas**» و پرتره ها یا فوتوهای «**هیتلر**»؛ ضبط سخنرانی های نازی ها که از طریق امکانات به صدا در می آید. زندانیانی که با **اسواستیکا** نقاشی و یا نشانی می شدند و مجبور به فریاد زدن «**هیل هیتلر**» می شدند بویژه شکنجه های سادیستی مخصوصان اسیران یهودی؛ نازی های سابق فراری بهر حال در دیکتاتوری های آمریکایی لاتین از جمله ریس سابق **گشتا پو در لیون**؛ **کلاوس باربی** (Klaus Barbie) مورد استقبال قرار گرفتند؛ **باربی** که بجرم جنایات ناگفتنی در فرانسه تحت تعقیب بود در عوض در **بولیوی** اسکان یافت. و به افسران ارتش در سراسر قاره دادن شکنجه و سرکوب را آموزش داد؛ سپس سرانجام به سازماندهی «**کودتای کوکابین**» در سال «1980» کمک کرد و بعداً در فعالیت های دیکتاتوری نظامی نقش داشت.

توماس الومارتیز روزنامه نگار آرژانتینی توضیح داد که فاشیست های سابق به «بخش های مختلف جامعه آرژانتین نفوذ کرده اند؛ مفید خواهد بود که اگر این سوال را بپزیرید که آیا استفاده از شکنجه به این حد از قساوت و ظرافیت رسیده است؛ ما باید همچنان از خود بپرسیم که آیا ظهور اردوگاههای کار اجباری؛ گورهای دستجمعی و صدها جسد شناور در رودخانه های آرژانتین بعد از سال «1974» صرفاً تصادفی است یا نه؟

این ارتباط با فاشیست های اروپایی؛ **کاندور** را به یک اقدام ضد کمونیستی مخفی دیگر در سراسر قاره پیوند میدهد: برنامها در آلمان در اروپا به رهبری «**نا تو**» که معروفترین عملیات آن **گلا دیو** (Gladio) در ایتالیا بود؛ مانند «**کاندور**» ارتش های عقب مانده یک شبکه متشکل از آمریکا و مورد

حمایت آمریکا از شبه نظامیان راستگرایی محلی بودند که بمنظور فعال سازی در صورت حمله کمونیستها یا پیروزی به ساده گی آنها که اگر در انتخابات شدند و در این میان ترور بخاطر بی ثبات سازی و خشونت عمومی سیاسی در کشور خود مانند «کاندور» فاشیست های کنونی و سابق را استخدام میکردند یعنی که اگر کمونیست ها در انتخابات احياناً برنده شوند **کاندور** باید فاشیست های کنونی و سابق را بخاطر ایجاد خشونت فرا خواند و ترور عمومی سیاسی را در کشور برنامه ریزی کند که البته این پروگرام در توافق با نیروهای امنیتی عالی رتبه کشورهای مربوط «کاندور» بودند . ارتباطات زیاد بین این دو برنامه سازان بود ؛ دولت آمریکا قبل از کمک به **باربی (Barbie)** فراری به آمریکای جنوبی از وی بعنوان یک مامور جذب شده و نیرومند در اروپا استفاده کرد . مقامات «سی آی ای» مانند **ورنون والترس (Vernon Walters)** و **داوینکلارینگ (Duane C)** قبل از نظارت بر سرکوب جناح راست در جنوب مرز ؛ دندان های خود را در عملیات به عقب ماندن اور و آسیا قطع کردند .

این سازمان نیوفاشیست وابسته به «**گلا دیو**» **اوانگورادیا نازلونال (Avanguardia Nazlonale)** بود که با «**DINA**» منعقد شد و تلاش نا موفق را بر زندگی برنارد لیتوان (**Bernardo Leighton's**) انجام داد . پیش از ترور ماموران دیپارتمنت اطلاعات امنیت ملی (**DINA**) و حتی خود **پینوشه** با رهبر و پیشوای آن یعنی **با استفانودلا جاییز (Stefanodella chiaie)** که بعداً برای (**DINA**) کار میکرد ملاقات کرد . و او مدت کوتاهی پس از آن وارد **شیلی** شد ؛ تا بکار خود بپردازد . بویژه قابل توجه تاجر قدرتمند فاشیست **لیسو گیلی (Licio Gelli)** {من یک فاشیست هستم و یک فاشیست خواهم مرد که او یکبار چنین اعلام کرد} استاد بزرگ جناح راست **لژما سونی (Lodge.M)** ایتالیایی ؛ پروپاگندای دو (**propaganda Due 'P-2**) که اعضای آن تقریباً در هر بخشی قرار داشتند از تشکیلات ایتالیایی از جمله نخست وزیر آینده آقای **سلویو بیرلسکونی (Silvio Berlusconi)** **ژلی (Gelli)** و (**p-2**) برای دستکاری در سیاست ایتالیا با «**سی آی ای**» و شبکه «**گلا دیو**» همکاری نزدیک داشتند همانطور که وی در سال «**2008**» توضیح داد :

« با اطمینان از اینکه حزب کمونیست هرگز نباید ظهور کند ؛ از دهه «**1970**» او **وولتر وظیفه** مضاعف را در ارژانتین انجام دادند . **کلودیو توگناتوتو (Claudio Tognonato)** جامعه شناس نوشت : « خود را به بالاترین سطح تجارب و دولت مداری در کشور وارد میکنند «**ژل**» محرک اصلی در توسعه تدوام بین دموکراسی و تروریسم دولتی در دوره ای از (**1974**) تا (**1981**) است . به عباره دیگر بیش از یک نکته وجود دارد ؛ همانطور که **مک شری** استدلال کرده است ؛ نیروهای آمریکایی مدل عقب مانده را به آمریکایی لاتین ؛ در قالب برنامه های «**کاندور**» منتقل کردند . همانطور که اسناد پنتاگون نشان داد ؛ دولت ایالات متحده قبلاً این کار را در یکی دیگر از تیاتر های جنگ سرد ؛ در ویتنام انجام داده بود . جایی که در سال (**1956**) یک واحد نیروهای ویژه را برای انجام مأموریت اولیه ؛ آماده سازی سازمان های عقب مانده در ویتنام جنوبی را درست زیر «**17**» مواردی برای جنگ چریکی در صورت حمله آشکار نیروهای ویتنام شمالی تدارک دیده بودند .

اما شواهد به چیزی تاریکتری نیز اشاره دارند ؛ « توافق جهانی ضد مارکسیستی بقول شهادت دادگاه **مایکل تونلی (Michael Townley)** عامل (**DINA**) در پشت ترور های ؛ **Leighton** ؛ **Letelier** ؛ **Prats** ؛

دایره کامل آمدن :

اگرچه «**کاندور**» مدت ها است که به پایان رسیده است اما کلام و پژواک و شیوه های آن همچنان تا همین اکنون ادامه دارد .

بگفته برولین (**Brulin**) با صعود «**رونالد ریگان**» از سال «**1981**» بود که گفت و گوی

سیا سی جنگ طلبانه پیرامون تروریزم که کشورهای «کاندور» را آزار داده بود؛ ایالات متحده را لوده کرد؛ در حالیکه سخنان «ضد تروریزم» ریگان ابتدا در آمریکای مرکزی متمرکز بود؛ باگذشت سالها؛ روحیه آن همچنان درگیر سیاست های ایالات متحده بود حتی با توجه و تمرکز به خاورمیانه.

پروین میگوید: هر آنچه آمریکا پس از «پایزه» ماه سپتامبر گفته است؛ همان چیزی است که «ریگان» در مورد آمریکایی مرکزی و جنوبی در دهه (1980) میگوید. و آنچه افسران آمریکایی در دهه (1950) و (1960) به دیکتاتورهای آمریکای لاتین میگویند؛ همیشه به اساس آن دروغها است؛ دشمن چقدر قوی بود؛ ما در مورد آنها چه میکنیم که در دنیایی واقعی از جوخه های مرگ استفاده میکنند.

البته این گفتگو نبود؛ صحبت در مورد جزئیات «کاندور» بدون فکر کردن در مورد «جنگ با ترور» توسط جورج دبلیو بوش نزدیک به بیست سال پیش غیر ممکن است. مک شیری میگوید: ما شاهد استفاده از ناپدید شدن توسط نیروهای ضد تروریستی آمریکا در بازگردانی های مرزی «رد مرز»؛ شکنجه؛ سایت های سیاه «سی آی ای» مخفی» در اصطلاحات نظامی سیاست های سیاه «سی آی ای» است که در آن یک پروژه «سی آی ای» غیر قابل تا بید انجام میشود که اخیراً توظیف از زندانهای مخفی است..... توسط این قلم» واقع در سایر کشورها و غیره بودیم که مورد تایید مقامات غیر نظامی قرار گرفته است («همه ای این روش ها مشخصه عملیات «کاندور» است).

فرانسچسکا (Francesca Lessa) که در حال تحقیق در مورد جنایات و پاشخگویی برای «کاندور» در پوهنتون کسفورد است میگوید: تظاهرات دیگری نیز از اقدامات مشابه کاندور وجود داشته است که در دهه های گذشته اتفاق افتاده است و یا در حال وقوع است. بعنوان مثال: اگر به شیوه های مخفی کاری در جنگ علیه تروریزم فکر میکنید؛ کسانی که دارای ویژگی های مشخصی هستند؛ که «کاندور» چند دهه قبل در آمریکایی لاتین داشته است. حتی شکنجه های اعمال شده توسط عوامل یا دست اندرکاران «کاندور» از جمله تهدید به کشتن یا تجاوز به عزیزان؛ شرایط نامناسب و ابستگی کامل به اسیر شدگان و غرق شدن شبیه سازی شده در بسیاری از موارد دقیقاً همان تاکتیک های استفاده شده توسط نیروهای آمریکایی علیه تروریست های که متهم بود و آموزش داده شد. دهه های قبل از آن توسط افسران آمریکایی به نیروهای آمریکای لاتین منتقل شد. با پیشرفت جنگ علیه تروریزم؛ ما شاهد برخی از ویژگی های برجسته عملیات «کاندور» هستیم که بطور فزاینده ای متوجه جمعیت داخلی ایالات متحده میشود؛ این امر بویژه در مورد «دونالد ترامپ» که گاهی اوقات او با تشویق مشتاقانه سیاستمداران لیبرال؛ مرتباً علیه سوسیالیست ها و دیگر دشمنان داخلی دست به اقدامات چندی زده است. و اخیراً رفتارهای مختلفی را انجام داده است. که برای قربانیان «کاندور» آشنا است. قانون و دستورهای لفاظی اعلام به تهدیدات تروریستی به مخالفان و بزرگ نمایی گسترده قدرت به گروه ها و مخالفان شاید نگران کننده تر از ادم ربایی در خیابان ها و سایر تاکتیک های ضد شورش اکنون ظاهراً به عناصر قانونی، مجریان قانون داخلی تحت ریاست وی باشد و یا به چنین نحوه ای تبدیل شده است.

از قضا این اتفاق در همان زمان رخ داده است؛ که عاملان «کاندور» و دولت های عضو آن بطور فزاینده ای خود را در معرض عدالت می بینند؛ و بیشتر در مورد عملکرد آن در این روند افشا میکنند در حالیکه مصونیت از مجازات در نیمکره تا اواخر دهه «2000» به سختی ادامه داشت؛ مبارزات و تلاش های قانونی بازماندگان و خانواده های قربانیان؛ همه ای این ها را تغییر داده است. البته آنهم به کمک تعقیب و یا دنباله رویی یک سند گسترده و محرمانه ای از ارشیف که محتوی آن سند محرم با ماهیبت بسیار سازمان یافته و فراملی بوده است.

با توجه به اعدادی که لیسسا «Lessa» در پروژه عملیات «کاندور» تهیه کرده است از دهه «1970»

چهل و چهار تحقیق جنایی در مورد جنایات مربوط به « کاندور » در هشت کشور انجام شده است این کشورها نه تنها کشورهای عضو «کاندور» بوده بلکه ایتالیا، فرانسه و ایالات متحده را نیز دربر میگیرد.

لیسا میگوید: «28» مورد این تحقیقات با حد اقل یک مجازات اولیه به پایان رسیده است. که «118» متهم را به جرم جنایات علیه «213» قربانی محکوم کرده است؛ این افراد شامل «20» مامور مربوط دبیرمنت اطلاعات امنیت ملی (DINA) هستند؛ که برای فعالیت های «کاندور» در سال «2018» محکوم شده اند.

محکومیت «18» افسر سابق ارتش آرژانتین در سال «2016» به دلیل مشارکت در «کاندور» و خود کنتراس که در سال «1995» به (526) سال زندانی شدن محکوم شدو دوده بعد در زندان درگذشت با شمارش **لیسا** در حال حاضر دو دادگاه در حال انجام و «12» تحقیق در مرحله شش از محاکم است.

در دره ای از عدالت شاعرانه در دنیای واقعی اکنون عاملان «کاندور» هستند که به نظر میرسد جایی برای پنهان شدن ندارند، با دستگیری جنرال پینوشه و بازداشت تقریباً دوساله او در لندن که صدور حکم آن تا حدودی به جرم «کاندور» بود و سالها فشار بروی از طرف کسانی که برای تامین عدالت فشار می آوردند تقویت شد و ثابت شد که افراد واقعاً به جرم و جنایت علیه بشریت قابل پیگرداند. فارغ از اینکه به کجا میروند در کجا دست به جنایت میزنند؛ و همه افراد ملت ها را دچار مشکلات کرده و اکنون میخواهد فرار کنند اما جنایات پینوشه در پرونده کیفری اش حسب خواست خودش است که وی در سال «2004» در شیلی کشور که به نوبه خود زمینه را برای تلاش های بعدی برای تامین عدالت بازگشتی برای جنایات دیکتاتوری هموار کرد.

دوسیه یا پرونده «جنرال پینوشه» در سال «1998» واقعاً که برای تامین تلاش های عدالت بین المللی در آمریکای جنوبی و فراتر از آن بسیار مهم بود. «اما اگر تقاضای موجود و تلاش های عدالت آمیز حتی قبل از آن نبود دوسیه جنرال پینوشه بخودی خود کافی نبود».

لوله یا طنین دستگیری پینوشه پیش از پیش در شیلی احساس شد؛ بازداشت پینوشه و تحقیقات مقامات نظامی آرژانتین در دادگاه های خارجی باعث ایجاد موارد جدید و حتی دستگیری و کیفر خواهی در آرژانتین به دلیل جنایات دوران «کاندور» شد. که منجر به لغو قوانین عفو این کشور در سال «2003» شد که برای محافظت از نقض کنندگان حقوق بشر برای دهه ها استفاده میشد.

یک سال بعد؛ دادگاه در آرژانتین اعلام کرد: که در این مورد مربوط به قتل کارلوس پراتس (Carlos Prats) در سال «1974» قانون مجازات برای جانیان نقض حقوق بشر اعمال نمیشود. به نظر میرسد که سرکوب فراموشی جای خود را به عدالت بدون مرز داده است تنها در سال «2019» ادریانا ریواس (Adriana Rivas) دبیر سابق کانتراس نسبت به ادعای که بر وی شده است او یکی از «وحشیانه ترین شکنجه گران» دبیرمنت اطلاعات امنیت ملی (DINA) در استرالیا دستگیر شد «استرداد وی به شیلی ماه گذشته تصویب شد» در حالیکه افسر سابق نیروی دریایی «اوروگویه» در ایتالیا پس از نقش او در «کاندور» به حبس ابد محکوم شد آخرین کلمه همین چند روز پیش صادر شد و چهار کارمند امنیتی سابق آرژانتین به جرم بسیاری از جنایات از جمله آدم ربایی و بازداشت دو کودک خردسال که مادران شان به شکنجه محکوم شده بودند و بعداً در یک میدان عمومی در شیلی رها شدند. محکوم شدند.

ما همچنان در طول تمام مدت در مورد برنامه سایه یک بار بیشتر می آموزیم؛ در سال «2919» دولت ایالات متحده ده ها هزار صفحه دیگر از دوسیه ها و یا پرونده های قبلی محرمانه مربوط به دیکتاتوری آرژانتین در طول سالهای «کاندور» را منتشر کرد. در میان افشاگری ها: اینکه در ماه سپتامبر سال «1677»؛ نمایندگان سرویس های اطلاعاتی آلمان غربی، فرانسه، و انگلیس از

دبیر خانه سازمان کاندور در بونیس آیرس بازدید کرده بودند برای بحث در مورد روش های غرض ایجاد یک سازمان ضد براندازی مشابه به « کاندور » دست به اجرات چندی زدند . با توجه به اینکه پیش کسوتان جنگ های وحشیانه ضد شورشی فرانسه در الجزایر؛ ویتنام آموزش و تجربه خود را به همتایان خود در آمریکای لاتین منتقل کردند ؛ شاید روزی بفهمیم که « توافق جهانی ضد مارکسیستی» که «کاندور» بخشی از آن بود حتی گسترده تر از یک بار فکر کردن بود.

تاریخچه ای باز نویسی شده :

همانطور که بطور معمول گفته میشود؛ داستان قرن بیستم چیزی شبیه به این است ؛ پس از اتحاد کوتاه مدت برای شکست فاشیزم ؛ ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بقیه قرن را به یک برخورد ایدئولوژیکی تبدیل کردند . موضوعی که همیشه تهدید به فوران یا برخورد میشد؛ اما هرگز کاملاً به جنگ کاملاً قدرت بزرگ منتهی نشد یعنی که جنگ گرم بین این دو ابر قدرت صورت نگرفت . بلکه نظام سرمایه داری با کمترین شلیک و تلاش در بازار آزاد پیروز شد یعنی که در بازار آزاد مسلط شد ؛ البته که به لطف از ته دل و ذهن و اندیشه توان تلویزیون ؛ همبرگر و لوازم خانگی که آنها را به راحتی بدست گرفت یا بدست آورد .

اما برنامه های دیگری مانند عملیات «کاندور» تاریخچه ای را به روش دیگری متفاوت ارایه میدهد ، با توجه به خود کامه ها و حتی فاشیست ها برای حمله به دموکراسی متحد شده و هر نوع جنبش های مردم جهان را به طرز وحشیانه ای فرو می نشاندند . که مبادا اهداف آنها «اهداف حاکمان جنبش ها» برای تامین جهانی عادلانه تر و برابری طلبانه باشد . و منافع ستراتیژیک و تجاری غرب را با وجود که این سیستم اقتصادی که زیر بار چندین بحران پراکنده شده است تهدید کند . اقدامات سرکوبگرانه ای که مدتها برای بقیه کشورهای جهان محفوظ بود در داخل مشهودتر میشوند یعنی که افشا میشوند ؛ زیرا مردم ملت‌ها ایالات متحده در برابر روند روبه زوال ستانداردهای زندگی خود بیش از پیش بی قاعده و یا دست و پاچه میشوند .

این یک مرحله یا یک ایپیسود است که بویژه مربوط به دوران پس از «ترامپ» است، جایی که اژانس های یا نهادهای مانند «سی آی ای» با موفقیت بعنوان مدافعان دموکراسی و ارزش های لیبرال علیه فاشیزم قریب الوقوع تغییر نام داده اند . این مارا به یاد بیرحمی بدون لعاب و یا جلانخورده سازمان یافته ای می اندازد که در پس نظم جهانی «ترامپ» و اسلاف اش به ارث رسیده است . گاهی اوقات نیو فاشیست ها وحشی برای محافظت از قدرت نخبگان و منافع تجاری توسط همان سازمانها مهندسی و هدایت میشوند .

ترس بنیادین از فاشیزم و براندازی دموکراسی بعنوان بخشی اصلی از گفتگوی سیاسی ایالات متحده فراتر از «ترامپ» باقی خواهد ماند . ، بر استن عملیات «کاندور» باید ما را بر آن داشته باشد تا به این فکر کنیم که کدام یک از نهادهای زندگی آمریکایی با دموکراسی خصمانه تر بوده اند ؛ و وقتی یا زمان آنرا فرا میخواند مشتاق همسو شدن با فاشیست ها هستند . اما این همچنین یک یادآوری است که در برابر مبارزات مردمی ؛ حتی این خشونت ماندگاری دارد و مصونیت از مجازات برای همیشه ادامه ندارد .

چند سطر در مورد نویسنده :

برانکو مارچیتیک ؛ نویسنده ستاد ژاکوبین و نویسنده کتاب دیروز « پرونده علیه جویابین » است وی در تورنتوی کانادا زندگی میکند .

===== **با تقدیم احترامات « 2021-03-09 »** =====